

نامه‌ئی است از حسنعلیخان نواب دبیر سفارت انگلستان درباره جمال‌الدین افغانی و فعالیت‌های مطبوعاتی او بر ضد دولت ایران در لندن و چند مطلب دیگر.

«مارک برجسته دولت انگلستان ۳ ذی‌قعدة سنه ۱۳۰۹ هـ - قربان حضورت بروم بزیارت دستخط شریف حضرت مستطاب اشرف مفتخر و سرافراز شدم در گمرک‌های کرمان و یزد که سفارش بجناب جلالتمآب آقای امین الملک فرموده‌اند. بزودی انجام فرمایند، جناب وزیر مختار نهایت تشکر را نمودند حالا منتظر ورود جناب معظم‌له می‌باشم در باب فقره سید جمال‌الدین و کاغذهای او بهمان قسم که فرمایش رفته بود حالی جناب وزیر مختار نمودم در جواب فرمودند که عرض نمایم ترجمه‌های کاغذهای او و دستخط‌های اعلیحضرت اقدس همایونی را با چاپار مخصوص بلندن خدمت جناب جلالتمآب اجل لرد سالزبوری فرستاده‌اند و آنچه از جانب حضرت اشرف چه شفاهاً و چه مکتوباً فرمایش در اینباب رفته بود خودشان نوشته‌اند و البته بر حضرت اشرف پوشیده نیست که جناب جلالتمآب اجل لارد سالزبوری آنچه مقدورشان باشد در حفظ اقتدار اعلیحضرت اقدس شهریاری چنان که بکرات مشاهده شده کوشش دارند اولاً باید صبر کرد که جواب برسد و چه اقدامات بنظرشان می‌رسد و ثانیاً برحضرات اشرف و خود اعلیحضرت همایونی پوشیده نیست که ممالک انگلیس برای هرکس آزادی است که هرچه می‌خواهد بگوید و بنویسد و بکند، محدود باینکه ضرری و وهنی بقانون وارد نیاورد و اگر کسی بر ضد دیگری بد بنویسد و هتک کند یا محرک فساد باشد باید از راه قانون او را مجازات کنند و نه بطور حکم و امر پادشاهی، یعنی این نوع قدرت برای اولیای دولت انگلیس نیست مگر از راه قانون. در باب شروع بعمل حساب کمپانی اولاً مدیران بانک مسیو «رینو» را اجازه داده‌اند که بحساب کمپانی بزودی رسیدگی نماید چنانچه آتروز فرمایش رفت، ثانیاً تلگرافیکه به جناب وزیر مختار رسیده این است که مدیران بانک با کمپانی در کار گفتگو هستند انشاءالله امید دارند بزودی اصلاح خواهند رفت، در اینجانب جناب جلالتمآب مخبرالدوله استفساری در باب شروع بحساب و تحویل گرفتن مایملک کردند و جناب وزیر مختار مکرراً تلگراف کردند هنوز جوابی ترسیده انشاءالله عمل خواهد گذشت، زیاده جسارت است ارادت کیش - «حسنعلی نواب»^(۱)

گزارشی است که «امین السلطان» همراه نامه جمال‌الدین بشاه عرض کرده

و شاه نیز شرحی در بالای گزارش دستخط نموده است.

«قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم - کاغذی از سیدجمال‌الدین معروف امروز باینغلام خانه زاد رسیده است. یعنی از سفارت روس آورده بغلام دادند و چون بعضی از کلمات آن خیلی معنی دارد بعرض رسانید ولی رویهمرفته خیلی مزخرف و نامربوط نوشته است و داخل آدم نیست. اما یقین است که همین سیدجمال‌الدین و آن پدر سوخته میرزا جعفر برادر حاجی سیاح که الآن در بطر است و با «دالغورکی» هم تا رشت آمده و مراجعت کرده است با «حضرت والا ظل السلطان» خیلی راه و رابطه دارند و اغلب خبرهاییکه در روزنامه‌های روس دیده می‌شود بدست و قلم این دو نفر است مخصوصاً یک نمره از روزنامه «هرولد» بظهران رسیده است که خیلی بد از این غلام نوشته است و بهمین جهت «آقای نایب السلطنه» فرستاده و آن روزنامه را به پنجاه تومان خریده است که ترجمه کرده بحضور همایون بفرستد، مضامین این روزنامه‌ها خیلی شبیه به مضامین اهل ایران است، ترجمه آنرا داده‌ام حاضر کنند که تقدیم خاکپای مبارک شود، مقصود از جسارت این است که غالب خرابی ما از خودمان است، حتی روزنامه‌های روس هم بقلم ایرانیها نوشته می‌شود - زیاد قدرت جسارت ندارد - الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع.

شاه بالای گزارش امین السلطان چنین نوشته است:

کاغذ این پدر سوخته راخواندم، دوپول نمیارزد و هیچ معنی ندارد، اینطور اشخاص پدر سوخته از وطن گریخته مثل مار میمانند و هرگز ملایم و آدم نمیشوند، ابدأ اعتنا نباید کرد و البته باو جواب ننویسید، بروزنامه‌های روسیه هم منبعده اعتنائی نباید کرد. مگر اینکه در فرنگستان بدست روزنامه‌های فرنگی بدهید جواب بنویسند خیلی لازم است.» (سند شماره ۵۲)

تلگراف امین السلطان به ناظم الدوله

«رمز شود، اسلامبول بناظم الدوله، تلگراف شما رسید از عرض لحاظ مبارک گذشت مقرر فرمودند اولاً این تعهدی که صدراعظم از طرف سلطان کرده است لازم است، بروید حضور سلطان تفصیل وضع این جمال‌الدین را نسبت بدولت ایران و فسادهاییکه در خیال داشت و دارد بتفصیل اظهار کنید و صریح بگوئید که اگر این شخص طرف توجه سلطان واقع شود یا اینکه شغلی یا منصبی به او رجوع نموده یا احترامی از او منظور شود با آن بدگوئی‌ها که نسبت به شخص اعلیحضرت همایونی نموده است بنظر دوستی دیده نخواهد شد بلکه همه کس و خارجه‌ها هم این را حمل به مغایرتی خواهند نمود، البته اینها را صریحاً اظهار داشته جواب گرفته تلگراف کنید، ثانیاً این مسئله

خواستن شیخ جمال‌الدین با آنتفصیل از طرف سلطان به اسلامبول و طرف توجه نمودن خیلی مسئله مهمی است و نمی‌توان سهل گرفت، خود شما هرطور شده محرمانه ته و توی این کار را بیرون آورده این معما را کشف نموده تفصیل را بنویسید که خیلی لازم است البته اقدام نمائید - امین‌السلطان». (سند شماره ۵۳)

پیش‌نویس تلگرافی است بخط «امین‌السلطان» که به «ناظم‌الدوله»

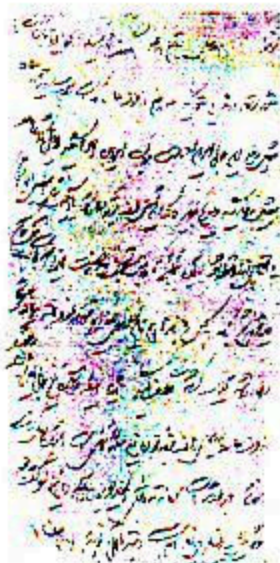
سفیر ایران در عثمانی مخابره شده است.

«اسلامبول - به ناظم‌الدوله رمز شود - از ملکم و قانونش که کاملاً اطلاع دارید، حالا شیخ جمال‌الدین هم رفته است لندن و علاوه بر او شده است. بر میدارد کاغذها مثل روزنامه بزبان عربی در مذمت دولت و سلطنت خطاب بعلمای اعلام چاپ کرده میفرستد که نسخه ابتدای آن بطهران هم میرسد.

بندگان اقدس همایون می‌فرمایند شما که از حالات فساد و شیطنت این مرد کاملاً اطلاع دارید، خود اختر هم او را خوب می‌شناسد، شرح مبسوطی در معرفی حالات رذیله و کفر و خیانت او در اولین نسخه اختر نوشته شود که مقارن رسیدن کاغذهای فسادانگیز او معلومات اختر هم بمردم برسد و بدانند (که مردم بدانند) نویسنده نه مجتهد است نه آدم، بلکه یک شیطان و کفر محض است، البته زود اقدام نمائید که خیلی لازم است. امین‌السلطان» (سند شماره ۵۴)

تلگراف رمز ناظم‌الدوله است که در پاسخ تلگراف امین‌السلطان از اسلامبول مخابره شده و چون در آن هنگام شاه در ملایر بوده از طهران عیناً در تاریخ ۸ محرم ۱۳۱۰ بملایر رمزاً مخابره شده است، متن استخراج رمزچنین است.

استخراج رمز ناظم‌الدوله. حضور مبارک حضرت مستطاب اجل اشرف آقای امین‌السلطان مدظله‌العالی - درباب شیخ جمال چندین مجلس با صدراعظم مذاکره کرده مراتب را به سلطان عرض کرد، فرموده بودند من در این باب خدمتی باعلیحضرت شاهنشاهی کردم او را از ملکم جدا کرده اینجا آورده‌ام دهنشرا ببندم دیگر روزنامه مزخرف انشمار ندهد ولی چون متعهداً آورده‌ام نمی‌توانم حبس نمایم، بالاخره قرار شد حبس نظری کرده تحت نظارت ضبطیه بگذارند و گفتند بعد از مدتی بجائی میفرستیم آنجا مشغول تألیف کتب باشد تا از این خیالات که دارد صرف نظر نماید - ۷ محرم «اسدالله».



سند شماره ۵۳ - تلگراف امین السلطان به ناظم الدوله در خصوص سیدجمال‌الدین



سند شماره ۵۴ - تلگراف امین السلطان به ناظم الدوله

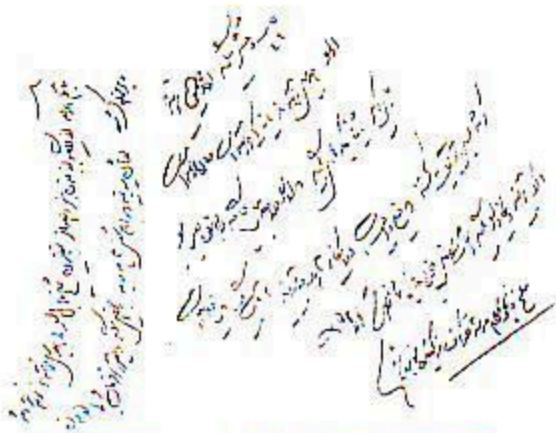
گزارشی است بخط «میرزا عباسخان قوامالدوله وزیر خارجه که از «خلیل خالدبیک» سفیر عثمانی نقل قول کرده است. (صفحه نخست گزارش بدست نیامد)

«یکفقره هم درباب سیدجمالالدین اظهار داشت که چون او را میشناختم و سابقه حالات او را می دانستم و آن کاغذی هم که در زمستان منتشر شد که یکی از آن را هم بسفارت انداخته بودند و بشما دادم از اثر اعمال او می دانستم. بعد از اینکه از اینجا نفی و بعراق عرب فرستاده شد باسلامبول بوالی بغداد اطلاع دادم و چون در اسلامبول هم معرفت کامل در حق او دارند و دو مرتبه هم تا به حال از اسلامبول بلکه از خاک عثمانی نفی و طرد کرده اند فوراً بوالی بغداد دستورالعمل دادم که متیقظ او باشد، این بود که از جانب والی بغداد هم فوراً جاسوسها بر او گماشته شد. سیصد تومان تنخواه با بعضی کاغذها که از طهران باو فرستاده شده بود و کاغذهای او را که باطراف می فرستاد تمام را ضبط کردند و این بدبخت شقی هم لدی الورد بنای مرارده را با «بابیها» گذارد و با «نصرت پاشا» که میدانست قدری از دولت رنجیده است طرح الفت ریخت و به محض اینکه این راپورت باسلامبول رسید حکم شد فقط همان سیصد تومان مرسوله را باو داده و او را از بغداد نفی به بصره کردند و بعضی از بقیه بابیها را نفی بموصل کردند و نصرت پاشا را هم بواسطه اینگونه حالات بقلعه «فاو» فرستادند که آنجا متوقف باشد. این مسئله را سفیر بطور حکایت نقل کرد و گفت، درباب سید جمالالدین باز بندگان اعلیحضرت همایونی اگر میل و فرمایشی داشته باشند حاضرم - محض اطلاع خاطر همایون جسارت شد.» سند شماره ۵۵

چون دولت ایران به وزارت خارجه انگلستان در خصوص نوشته های سیدجمالالدین که بر علیه حکومت ایران بود، اعتراض کرد، سفارت انگلیس جواب نامه را به عنوان امین السلطان فرستاده است که حمایت دولت انگلستان را از سیدجمالالدین معلوم می سازد.

مارک برجسته دولت انگلستان

جناب مستطاب اجل اکرم ارفع اشرف عالی را با نهایت شوق و مسرت به تصدیع مطالعه این نگارش مزاحم میگردد، امیدوارم مزاج جناب مستطاب عالی سالم است و از گرمی مسافرت خستگی کلی حاصل نفرموده اید، خواهشمندم احترامات مخصوص مرا بحضور مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی معروض دارید، در مسئله نگارشات جمالالدین در لندن، اعلیحضرت همایون شاهنشاهی اراده ملوکانه بر رفع و دفع آنها شرف صدور یافته بود و بلا تعویق منظور همایونی را بحضور اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه ولینعمت تاجدارم مکشوف ساختم و در همین حال از



بینویس تلگرافی است بخط امین السلطان، از شایخ الدوله، مفید ایران دهل
 دعوت جمال الدین را باستانبول برسیده است. تاریخ تلگراف مایح ذی حجه ۱۲۶۰ ق
 می‌باشد.

ناظم الدوله - از قراری که از لندن خیر و اماند باین مضمون، شیخ جمال الدین
 را از اسلامبول خواسته اند موقتاً رفته و بر خواهد گشت، خودتان میدانید این شخصی
 تا چه درجه بدخواهی میکند و چقدر مزخرفات عربی از لندن چاپ و منتشر میکند،
 اولاً تحقیق نهائید او را با اسلامبول خواسته اند یا نه؛ کمی خواسته است؛ سلطان خواسته
 است یا جای دیگر؛ تائیباً بلکه تازی بکنید که او را بد اسلامبول چنانکه در بغداد و
 بصره بود گرفته حبس و توفیق کنید که خیالی واجب است، در اینکار تاهر درجه میتوانید
 اقدامات بکنید که خیلی لازم است و اگر بتوانید اینکار را بکنید الثبات مخصوص خوبی
 درباره شما خواهد شد - امین السلطان.

سند شماره ۵۶ - تلگراف به خط امین السلطان به عنوان ناظم الدوله در خصوص سید جمال الدین

جناب مستطاب «لرد سالسبوری» تلگراف وصول نمودم و بنا بدستور العمل اشعاریه در آن تلگراف
 اظهار می‌شود که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در باب هر مسئله چاپ شده که ایلچی دولت
 ایران مقیم لندن صلاح داند که در آن باب رجوع بعدالتخانه بشود، حاضر خواهند بود به سفیر ایران
 نصیحت دهند، لکن قاعدتاً لرد سالسبوری به هیچ دولت خارجه نمی‌توانند نصیحت بدهند و درباره
 نگارشات روزنامه‌های انگلیز شرح ادعائیه پیش گیرند، اگر چه حق هم بطرف آن دولت باشد، حکم
 این فقرات بکلی منوط به «جوری» است و البته میدانید که در انگلیز رای عموم بقدری مخالف این
 گونه ادعاهای پلیتیکی است که ندرتاً اتفاق می‌افتد که جوری حکم بر ضد روزنامه نگار بدهند - زیاد
 زحمت است دوست خیلی صمیمی جناب مستطاب عالی - «فرانک لاسلس» قلهک ششم جون ۱۸۹۲
 - پشت کاغذ مهر «سرفرانک لاسلس» سند شماره ۵۷



Handwritten marginal notes on the right side of the page, written vertically in Persian script. The text is dense and appears to be commentary or additional information related to the main text.

Handwritten marginal notes in the upper left corner, including the phrase 'مدرسه اند' (Madrasa) and other illegible characters.

جناب مستطاب اهل آئی ام از مع ایدین ارن علی را انا این نوت و ک

ایده نام فراموش مبارک منظره عالم است و از کسی سازت مستطاب حاصل

عصوی من اخصه مبارک اعلی حضرت هاین کتابخانه معرفت دارید

اعلی حضرت هاین کتابخانه ابراهیم مدنی کاتبی فریغ و درع انا انا ارن معرفت افسانه بود

بصورت اولیای دولت اعلی حضرت با ظاهر و لیسعت با اید نام مکنتی با تم و هین مال از مبارک

تکران و مولی عزم و بیاید کنسور کمال اعتبار به همان تکران ان امارتین و کولس

انگلسان در باره و مسئله با این مسئله و ایلی و کولس ایران مقیم لندن صلاح دانند و دست از بار

بعد از آن ظاهر بود حاکم و اید بود در منبر ایران بصحت دهند لکن تا عهد تا کرد بالذوری

غیر از آن بصحت دهند و در باره مکارنات در دسترهای انگلیز و اید عاید پیش کرد اکی میر من کولس

آن وقت اید حکم این قرآن یک مسو له بر روی امت و البته می دانند در انگلو کرای

میرزا ملکم خان

میرزا ملکم خان

میرزا ملکم خان - از اهالی جلفای اصفهان و از پیشقدمان برای تنویر افکار مردم ایران است. از طرف وزارت خارجه ماموریت‌های سیاسی داشته و در سال ۱۲۸۹ ق. به پیشنهاد میرزا حسین خان سپهسالار وزیر مختار ایران در لندن گردید. در کنفرانس برلن برای رفع اختلاف مرزی ایران و عثمانی شایستگی نشان داده و بهمین جهت ناصرالدینشاه به او لقب ناظم الدوله اعطا کرده است. در سال ۱۳۰۷ ق. بدون اطلاع ایران امتیاز تأسیس لاتاری را به یک شرک انگلیسی داده و چهل هزار لیره دریافت کرده و به دستورات حکومت ایران درباره لغو قرارداد توجهی ننموده و در نتیجه از مقام خود معزول گردیده است.

قرارداد لاتاری

«امتیاز کل معاملات یعنی قرعه یا لاتاری و استقراضهای عمومی با لاتاری و ترتیب کمپانیهای لاتاری و فروش بلیطهای لاتاری و بازیهای عمومی با لاتاری از قبیل چرخ رولت. در کل ممالک ایران از تاریخ ۱۳۰۶ الی هفتاد و پنج سال مخصوصاً و منحصرأ با شرایط زیر واگذار می شود.»
«در جمیع این معاملات هر سال از منافع خالص که بعد از وضع مخارج و ادای صد پنج منفعت سرمایه مصروف شده حاصل می شود، صدی بیست به خزانه دولت کارسازی خواهد شد، ایران حق خواهد داشت که بتوسط یکی از مامورین خود هر سال حساب منافع خالص صاحب امتیاز را تحقیق کند.»
بتاریخ ۲۲ ذی قعدة ۱۳۰۷

میرزا ملکم خان در لندن با سیدجمال الدین اسدآبادی ارتباط پیدا کرد، او در روزنامه قانون و سیدجمال الدین در روزنامه عروة الوثقی بر علیه ناصرالدینشاه مقالاتی می نوشتند. استاد مربوط به میرزا ملکم خان و فعالیت‌های او در صفحات بعد است.

تلگراف رمزی است از ملکم وزیر مختار ایران در لندن که نظریات، و پیغامهای وزیر خارجه انگلیس را درباره اصلاحات ایران بدولت اطلاع داده است.

هو - استخراج تلگراف رمز از لندن نمره ۴۱ - وزیر خارجه در این مذاکرات اخیر بر یک نکته

مخصوص که روح مطلبش در آن نکته بود زیاده از وصف تأکید نمود، پس از بیان بعضی مقدمات گفت: حالا وقت است که بشما درست حالی نمایم که ما وزرای انگلیس از روی صدق با دولت ایران دوست و با عزم صمیمی طالب ترقی آن دولت هستیم ولیکن باید بدانید که این ایام بقای وضع‌های گذشته محال شده است و از برای ترقی دنیا لازم است که ایران هم ترقی بکند، از روی کمال دوستی بتوسط شما دولت ایران را دعوت مینمایم که معایب اداره خود را موافق اصول ترقی این عهد بهر تدبیری که بتواند و بهر عجله که ممکن باشد رفع نماید زیرا که یقین بدانید بقای وضع‌های حاضر محل خطرات خواهد شد. این مطلب را بمضامین قویه مکرر تصریح نموده بطوریکه زیاده از وصف متأثر شدم بعد باز بتأکید تازه گفت: بقدری که بتوانید حواس و دقت اولیای دولت ایران را براین لزوم انتظام داخله جلب نمائید. مقدمات و شرح این حرفها را بعد هرگاه بخواهید توضیح خواهم داد عجالتاً محققاً بدانید که نسبت بما هیچ غرضی ندارند و این اظهارات مؤثر را با کمال محبت و از روی نهایت دلسوزی و محض دولتخواهی بجهت رفع بعضی خطرات می‌گویند. سند شماره ۵۸

ملکم ۲۴ جمادی الثانی

شاه در زیر این سند نوشته است.

«بهترین کارها و بهترین امور نظم داخله و آسایش رعیت و ترقیات جدیده است. کدام ابله است که نخواهد خانه‌اش آسوده و کارش در ترقی و رونق باشد. ماها که منکر این عمل نیستیم و وضع ترقی جدید و آسایش مردم را شما می‌دانید که بشخصه تا چه درجه طالبیم و از هرطرف اسبابش را می‌خواهیم فراهم بیاوریم اغراض شخصی اشخاص قدیمی ایرانی و مردمان نفهم آن خیالات را سست می‌کند، این شخص مالیه را که از وین خواستیم و مکرر حکم شد خیال او را بفهمیم و خیال خودمان را باو حالی کنیم هنوز تمام نشده است. این است وضع قوانین جدید و ترقیات حاضره این عصر، خیلی مشکل است که بتوان بزودی اجرا کرد اما اقلأ پیش باید رفت که نگویند بیکار هستند.»

پیشنهاد‌های اصلاحی ملکم

«میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله وزیر مختار ایران در لندن در آغاز سال ۱۳۰۴ ق. مدتی کوتاه به طهران فرا خوانده شد، هنگام بازگشت پیشنهادهایی برای بهبود اوضاع ایران و نظریه دولتهای اروپایی درباره ایران بخط خود نوشته و آن نوشته را پیوست یادداشتی برای ناصرالدینشاه فرستاده است، اینک متن یادداشت و پیشنهادهای ملکم.

هو - با یک دنیا تشکر و با یک دنیا تأسف از این آستان همایون که از برای فدوی منشاء اینهمه

فیوضات و شرف شده مرخص شدم و از درگاه رحمت الهی مسئلت می‌نمایم که وجود اقدس اعلیحضرت همایون شاهنشاه روحی فداه را برای نجات و سعادت ایران سالهای دراز محفوظ و موفق بدارد. بنده درگاه - ملکم

«در این بیست سی سال آخر بواسطه شیوع راه آهن و تلگراف و روزنامه‌ها مذهب خلق و دول فرنگستان براین شده است که عموم طوایف دنیا یا باید خود بخود مستقلاً ترقی بکنند یا باید آنها را مجبور بدائرة ترقی آورد، در هر گوشه دنیا هر دولتی که درصدد ترقی باشد حفظ و تقویت آن دولت را بحکم این مذهب انسانیت واجب می‌دانند و دولتی که ترقی پرست یا در بند ترقی نباشد زوال و دفع آن را برای خیر عامه دنیا لازم می‌شمارند.

ظهور چنان مذهب در نظر ما خیلی غریب بلکه محال می‌آید، اما اساس اوضاع حالیه فرنگستان محققاً براین مذهب است و اگر ما بر حقیقت این مذهب تردیدی داشته باشیم ممکن نیست از اقدامات و از خیالات حالیه دول فرنگستان بتوانیم مطلبی درک نمائیم.

دولت علیه نسبت به ایام سابق در اطلاعات و آداب خارجه خیلی ترقی کرده ولیکن به اعتقاد دول فرنگستان در لوازم آبادی و در مکتب مادی از ممالک دیگر خیلی عقب مانده. این عقیده فرنگستان را نباید بی نتیجه شمرد. دول فرنگستان را نباید از ترقی دولت ایران مأیوس ساخت.

از برای دفع آن مشکلات بزرگ که در چنان مأیوسی فرنگستان لامحاله ظهور خواهد کرد بر دولت ایران واجب‌تر از هر تکلیف این است که بلا تأمل اقدام نماید به بعضی تدابیر که بهیچوجه ضرر و زحمتی ندارد و برای بقای استقلال ایران مسلماً شرط ناگزیر شده‌اند، از آن تدابیر که عموم خیرخواهان ایران بر لزوم آنها تصدیق و اصرار دارند بعضیها مختصراً در اینجا ذکر می‌شود.

ترتیب حالیه وزارت‌های دولت علیه از برای ملاحظات داخله خیلی خوب است اما نسبت بملاحظات دول فرنگستان خیلی غریب و بکلی نقطه مقابل اصول اداره است، وضع و ارتباط حالیه وزارت‌های ما در نظر فرنگیها بعینه مثل اینستکه ما می‌خواهیم امور دولت را در هم و مغشوش نمائیم.

ترتیب این وزارت‌ها موافق اصول سایر دول خیلی سهل است و بهیچ دست‌گاہ و بهیچ خیال ضروری نخواهد رساند.

دول آسیا معنی و قدرت تجارت را هرگز آنطور که باید ملتفت نبوده‌اند.

دول حالیه فرنگستان بجز وسعت و رونق تجارت مقصود دیگر ندارند آنچه می‌کنند راجع

بترویج تجارت است، بیسمارک وزیر تجارت است، تمام دولت انگلیس کارخانه تجارت است، موافق علوم فرنگستان میدان تجارت ایران بی انتها است و چون این میدان تجارت از برای تجارت عامه دنیا لازم است ممکن نیست دول فرنگستان به تجارت امروزه ما اکتفا نمایند، عقیده آنها است که ما از روی عقیده باطل تجارت ایران را گرفتار انواع فلاکت ساخته‌ایم، هم بحکم علوم این عهد و هم به اقتضای پولتیک بر دولت علیه واجب است که عوایق حالیه تجارت ما را رفع و لوازم رونق آنرا یک آن زودتر فراهم بیاورد.

از برای اینکه تجارت ایران فی الجمله سهولت و معنی پیدا نماید، دولت علیه باید بلا تردید یا بتوسط خارجه یا بلا واسطه چند قسم بانک تجارتي و زراعتی بسازد.

اکراه دولت علیه از بانک در این مدت مبنی بر یک اشتباه کلی بوده است، اگر خود دولت علیه یک بانک کوچکی بسازد بعد از چند روز حیرت خواهد کرد که از چنان کار طبیعی و بی ضرر و پر منفعت چرا در این مدت به این شدت غافل بوده است، بانک نساختن مثل این است که بگوئیم در شهرهای ایران نباید کاروانسرای تجارتي بسازند و تجار ما نباید با هم برات و مکاتبه نمایند. یکی از اسباب ناگزیر تجارت مسکوکات دولت است.

علوم فرنگستان بعد از دو هزار سال تجربه در این باب بعضی اصول وضع کرده است مسکوکات ما کلاً برخلاف آن اصول است، این عیب بزرگ را باید رفع کرد، اصلاح مسکوکات ما خیلی سهل و بی آنکه یک دینار بخزانة دولت ضرر وارد بیاید می توان در ظرف چند ماه یک سبب خرابی تجارت ایران را بکلی رفع نمود.

عدم راه آهن در ایران علاوه بر هزار نوع محرومیت‌های مادی در نظر دول فرنگستان یک قباحت و تقصیر عذرناپذیر شده است.

ساختن یک قطعه راه آهن بهیچوجه خارج از قدرت دولت علیه نیست.

امروز واجت تر از هر کار این است که دولت علیه بهر قسم همت و بهر نوع فداکاری بهر طور و بتوسط هرکس که میسر بشود اقلأ یک قطعه کوچک و جزئی راه آهن بسازد، عشر آن مخارج بی فایده که هریک از وزراء در این چند سال بر خزانه دولت تحمیل کردند از برای احداث راه آهن ایران البته کافی خواهد بود.

ظهور یک راه آهن کوچک علاوه بر هر قسم منافع حتمی از برای سد بعضی مذاکرات و بعضی مشکلات که یقیناً بر دولت علیه هجوم خواهند کرد بهترین تدابیر خواهد بود.

علاوه بر اینکه در ایران هیچ راه نداریم قرار و اسباب حمل و نقل زیاده از حد ناقص و مشکل

است، از برای این کار در فرنگستان بعضی ترتیبات و کمپانی‌ها دارند «Messageries» می‌گویند، ترتیب این قسم دستگاهها در ایران از همه جا واجب‌تر است، اگر دولت عمل پستخانه را قدری وسعت بدهد و این عمل «Messagerie» را هم منضم آن دستگاه نماید هر مخارجی که در ابتدا کرده بعد از چندی بالمضاعف منفعت خواهد کرد.

این اوقات دول آسیا در مقابل مدعیان خارجی بیش از همه چیز از این معنی بترسند که مبادا دول فرنگستان بگویند فلان دولت بی کفایت و در تکلیف اداره عاجز است.

معادن ایران که از منابع بزرگ ثروت دنیا محسوب می‌شوند چون سالها است بکلی بی‌مصرف مانده‌اند، در حقیقت هرروز به تمام فرنگستان اعلام می‌کنند که اداره مالیه ایران خیلی عاجز و از تکالیف و نعمات دولتی بکلی غافل است.

چه عیب دارد که دولت علیه اقلأً بجهت رفع چنان تهمت بعضی معادن را با امتیاز بی‌عیب بخارجی واگذارد یا با شرایط مناسب به اهل مملکت بدهد و به آنها بقدر کفایت تقویت برساند که بتوانند اقلأً دو سه معدن را موافق قاعده بکار اندازند.

اگر در میان این جوش ترقی دنیا، دولت علیه نتواند هیچیک از این تدابیر را مجزا بدارد و بخواهد همین طور بی‌کار و بی‌خیال بنشیند برازنده هیچ‌جا نخواهد بود که از نتایج چنان حالت عرض نماید ولیکن از روی علم قطعی می‌توان حکم کرد که چه امروز چه هر وقت دیگر اگر در ایران این تدابیر معروضه مجرا شود نه از برای احدی پشیمانی خواهد داشت و نه آن چاکری که این مطالب را عرض کرده پیش خدا و پیش سایه خدا شرمنده خواهد بود^(۱) (سند شماره ۵۹)

تلگراف رمز ملک، تلگرافی است از ملک که برای نخستین بار از هدف سلطان عبدالحمید درباره ایران و داعیه اتحاد اسلام و خلافت اسلامی پرده برمی‌دارد.

هو - استخراج تلگراف رمز از لندن نمره ۴۹-۲۱ رجب ۱۲۹۷ بعضی از متعصبین و متملقین اسلامبول ذهنی سلطان کرده‌اند که چون دول فرنگستان مصمم هستند عثمانی را از خاک روم ایلی بکلی بیرون بکنند بجهت تلافی چنان شکست عظیم چاره منحصر است که دولت عثمانی رجوع به حقوق و قدرت خلافت بکند و به زور آن اسبابی که باقی مانده حقوق و تسلط مسند خلافت را از مصر تا هند و بخصوص در ایران و آسیای وسطی جاری بکنند، در این باب بعضی کتابچه‌ها نوشته

برای بیست و هفتاد و هفت روز در محفل از او سخن درین
 روز بیست و هفتاد و هفت روز در محفل از او سخن درین
 روز بیست و هفتاد و هفت روز در محفل از او سخن درین
 روز بیست و هفتاد و هفت روز در محفل از او سخن درین
 روز بیست و هفتاد و هفت روز در محفل از او سخن درین

در این بیست و هفتاد و هفت روز در محفل از او سخن درین
 روز بیست و هفتاد و هفت روز در محفل از او سخن درین
 روز بیست و هفتاد و هفت روز در محفل از او سخن درین
 روز بیست و هفتاد و هفت روز در محفل از او سخن درین
 روز بیست و هفتاد و هفت روز در محفل از او سخن درین
 روز بیست و هفتاد و هفت روز در محفل از او سخن درین
 روز بیست و هفتاد و هفت روز در محفل از او سخن درین
 روز بیست و هفتاد و هفت روز در محفل از او سخن درین

در این بیست و هفتاد و هفت روز در محفل از او سخن درین
 روز بیست و هفتاد و هفت روز در محفل از او سخن درین
 روز بیست و هفتاد و هفت روز در محفل از او سخن درین
 روز بیست و هفتاد و هفت روز در محفل از او سخن درین
 روز بیست و هفتاد و هفت روز در محفل از او سخن درین
 روز بیست و هفتاد و هفت روز در محفل از او سخن درین
 روز بیست و هفتاد و هفت روز در محفل از او سخن درین
 روز بیست و هفتاد و هفت روز در محفل از او سخن درین

سند شماره ۵۹ - پیشینه‌های اصلاحی سیر از اسلام خان

ایر قوت اول با دروغی نمانم که برین شهر ازین شهر

بزرگ و بد حال ازین ازین نفس داشت گفتند

وزارت

سرداران و دروغ بریدند که بگویند که هر چه است بگو

بجوشند و در وقت بزند بهم ازین سخن و ملاحظه

ایان سخن باز از این وقت است هر که است

بهرت و داشت از این سخن نیست بفرمودی به این

بزرگ نماند با راه نماند از این سخن از این سخن

بنا داشته شده و هیچ از این که بخواند

تو به این در این در این در این در این در این در این

بسی وقت از این در این در این در این در این در این

مستور است که بی از این در این در این در این در این

از این در این در این در این در این در این در این

بسی وقت از این در این در این در این در این در این

و این در این در این در این در این در این در این

مکمل این در این در این در این در این در این در این

بسی وقت از این در این در این در این در این در این

مستور است که بی از این در این در این در این در این

از این در این در این در این در این در این در این

بسی وقت از این در این در این در این در این در این

و این در این در این در این در این در این در این

مکمل این در این در این در این در این در این در این

صورتی

سعد شماره ۵۹ - پیشینه های اسلامی میرزا ملکم خان (قسمت سوم)

همه تر جمیع امر خوات دفع علیه ایران است جز بر سر نه بد بیشتر
 بومر ستمگیر و مدد ز زشتی دل شی نفس دفع علیه است
 غیر بنیست و ذات غرضش بهر اصل و معنی در زمین است و اول
 و بر این سوره هم بنیست و در آن تفسیرش به شرح زیر است دفع علیه
 مند که در آن تفسیر به شرح است که کما غیر زینت علیه شرح
 نفس این زینت در ایران است که است بهر شکر بر زینت از آن
 و بدست کشت نبوده است که قدرت و است و است که قدرت
 بنی بر همین ماس علیه است

باز امر خوات است که در آن با هم است

ملکم خان
 در این مضمون

که در این امر خوش بخواند و در این تفسیر نیز بهر سبب که این خبر را بخواند
 و کلمه همین علم با کار و به خیال بنیست باز در این سوره که کلمه بود
 در این مضمون است که در این مضمون است و در این مضمون است که در این
 بهر سبب که در این مضمون است که در این مضمون است که در این مضمون است
 و در این مضمون است که در این مضمون است که در این مضمون است
 و در این مضمون است که در این مضمون است که در این مضمون است

بیکه در این مضمون است که در این مضمون است که در این مضمون است

نشان ایند غرض از آن است که در این مضمون است که در این مضمون است
 و در این مضمون است که در این مضمون است که در این مضمون است

ایران سالها در این مضمون است که در این مضمون است که در این مضمون است

